

# FASTING

روزه

وقتی شما می پرسید راه درست برای زندگی کردن به عنوان یک عیسی چیست . نمی باید به منبھی که از

آن اطلاعات می گیرید توجه کنید

من به شما پیشنهاد می دهم که اینگونه سوالها را بپرسید

۱- عیسی چه چیزهایی را می گوید؟

۲- چه چیزهایی در برای منی تو اینم در عهد جدید پیدا کنیم؟

۳- چه چیزهایی شما از عهد قدیم می توانید بیاموزید؟

۴- برادران و خواهران مسیحی شما چه می اندیشند؟

به سوال درباره روزه فکر کنید و شاید ارتباط آن را در روزه اراسلام پیدا کنید ماه رمضان

که در طی روز نباید خورد و نوشید

همچنین در بعضی از کلیساها می بینید که نماز و غذا خوردن و نوشیدن

اما بعضی از مردم فکر می کنند که روزه گرفتن برای روح و جان و سلامتی خوب است

اما هیچ زمان و دستوری در مسیحیت برای روزه نیست نگاه کنید که عیسی در متى 15: 14-9

چم می گوید

14 و بعد شما بدان بچی آمدند و از او پرسیدند چگونه است که ما و طریسیان اغلب روزه می گیریم ولی

شما بدان تو روزه نمی گیرند

15 عیسی جواب می دهد که حضور ممکن است همانها عذاب را کنند در صورتی که داماد با آنها است

زمانی می رسد که داماد از آنجا رفته شود و آن زمان روزه می گیرند

شما بدان عیسی تمجید کننده از عیسی سوال کردند که چرا آنهای که این بعضی روزها یا قسمتی از روز

را روزه می گیرند و دیگرند است که غذا نمی خورند آنها نیز به طریسیان اشاره می کنند که آنها هم بنابر

اینگونه هستند

شاید آنها فکر می کنند که شما بدان واقعی هم باید این عمل را انجام دهند . اگر چه آنها نمی گویند که

به ماد دست در داده سکه که روزه بگیریم

آنها با آگاهی می دانند چرا که بدان تو روزه نمی گیرند . به حال عیسی شما برای روزه گرفتن

به یک یادداشتی صادر کرده است .

و همچنین آنها در گذشته هم چنین تصمیمی نگرفته اند . چگونه می توانیم اینگونه صلح کنیم

اگر قافونی در زمان موسی برای روزه گرفتن صادر شده بود سوال اینست باید مطرح می شد

①  
②

« چرا تو قانون را می شکستی که نباید روزه گرفت » پس نتیجه می گیریم که قانونی برای روزه در یهودیت وجود ندارد

بعضی از یهودیان در طول زمان مقدار و آداب روزه می گرفتند ولی این قانونی نبوده که خداوند صادر کرده باشد  
« اما ما به عهد قدیم نگاه کنیم و به قانون موسی بنظریم می بینیم که این حقیقت دارد »

اما بعضی از یهودیان مذهبی روزه می گیرند - سوال اینجاست که چرا؟ من فکر می کنم که جواب عیسی در آیه 15 سر نخ می باشد

زمانی که عیسی با یاران است زمان بهره گرفتن است و به همین خاطر آنها با هم غذای خوردند و در حال هستند و این موضوع روزه مرتبط است با زمان جدایی و تأسّف

زمانی فواهد آمد که عیسی می گوید که زمانی که او از آنجا رفته سرود (موسی که او را سب کرده است) عیسی می گوید آن زمان آنجا روزه فواهد گرفتند و اما با این آگاهی که این دستور نیست

من چنین باور دارم این 3 روزی که عیسی از صبر بود (آنجا میبای به غذا خوردن نداشتند نه اینکه آنجا تصمیم گرفتند که غذا نخورند بلکه آنجا می توانستند این بار عم و تأسّف را تحمل کنند و به عنوان جواب سوال ما این روزه نیست

نقوی که ما از عیسی در باره روزه داریم مرتبط است با تأسف و مرگ. اما غذا خوردن  
مرتبط است با زندگی و بهرمندی آن

روزه انعکاسی است از غنبت عیسی و خوردن و شادمانی انعکاسی است از حضور عیسی  
جالب است که نوشته شده وقتی که عیسی از هرگز پر خاست و روزه سه چندین جا به خوردن غذا  
استاره شده است

- در لوقا 24: 28-35 مجوابه
- یوحنا 24: 40-43
- اعمال رسولان 1: 46-47
- یوحنا 21: 15-17

در جاهای دیگر عیسی به غذا خوردن نیز اشاره می کند

متی 6: 25 او به شاگردانش می گوید که برای غذا نگران نباشید این قسمتی از انجیل است  
که مهمترین آموزشهای عیسی در آن طبقه بندی شده است. هیچ جا عیسی در باره روزه سخن نگوید  
در صورتی که به شاگردانش می گوید خداوند بسیار سخاوت آمیز است و برای غذا نگران نباشید

احتمالاً او 1500 سال قبل را به یاد می آورد که قدم اسرائیل در بیابان سرگردان بودند و خداوند  
آنها را با نان روزانه (منه) تأمین می کرد (خروج 16)

در متی 15: 32 می توانست ترجیح بدهد که مردم بخورند بروید و روزه بگیرند عیسی به خداوند  
دعای کند که بتواند این امکان را به وجود آورد (مخبره) تا برای 5000 نفر غذا تأمین شود

در بعضی از ترجمه های انجیل اشاره شده که عیسی می گوید من نمی خواهم اسفارا پس بفرستم که  
تا بروند و روزه بگیرند

در مفرس 2: 15-16 به عیسی برای غذا خوردن با آدمهای گناهکار اعتراض می شود این  
چندین بار و چندین جا اشاره شده است از این موضوع مای بیستم که عیسی و شاگردانش  
ترجیح به غذا خوردن داده اند تا اینکه روزه بگیرند (در متی 11: 19 ببینید)

در متی 16-17: 6 واضح است، بعضی از مردم روزه می گرفتند و عیسی به آنها گفت که چگونه این  
کار را بلند این آب را بدقت مجوابند. عیسی دستوری نداده است

ولی در اثری گوید که اگر می خواستید روزه بگیرد به عنوان عبادت روزه، پس بصورت  
شخصی انجام دهید و این را (روزه) به نمایش نگذارید

این آموزه در لوقا 14: 10-18 نشان داده شده است  
نیز نه زنده در آیه 12 عزیزان یبار در هفته روزه می گرفتند این یک مسکه است  
در روزه گرفتن عیونیه برای یتر دان براه است و در بعضی مواقع برای به خود افتخار  
کردن است من انجام می دهم و به همین خاطر آدم بپزی هم <sup>می</sup> ~~است~~  
این یک خطر بزرگ است. دست کم بصورت محضی انجام نشود (مضموی)

این خود فواهی است و عیسی این را محکوم می کند این واقع است که در کتابهای بعدی  
عهد جدید بعضی مواقع مسیحیان ترجیح می دهند که روزه بگیرند خود عابثانه در روزه های  
کرمیه و مخصوص نگاه نیند در اعمال رسولان 3-2: 13 و 23: 14 ولی این در حقیقتی صورت  
می گرفت که دعای مخصوصی باید انجام می شد در اعمال رسولان (9) شما باید همه سوره را بخوانید

پولس 3 شبانه روز مشغول دعا کردن است و او نه غذایی خورد و نه چیزی می نوشد همچنین  
شما باید بیاد آوریم که عیسی در متی 4 زمانی که به بیابان رفت به مدت 40 روز لب به  
غذا نرزد و مشغول دعا کردن بود

ولی این یک دستور نبود او به بیابان برده شد که تا آزمایش بشود تا اینکه بصورت کامل مورد  
اعتماد خداوند قرار بگیرد

در متی 12 نشان می دهد که عیسی از آنجا می گذشتند آنها میان گندمزار هستند و آن روز روز  
شنبه (روز مقدس و توقف میل لیردیان) است

آیا نباید آنها منتظر این بودند که عیسی به آنها بگوید نه شما باید تا خدا صبر کنید و امروز  
چیزی نخورید؟

اما در عوض او غری می کند که همه است که آنها غذا بخورند پس او آنها را نیز تسویق می کند که این کار را بکنند در صورتی که فریسیان از او عیب جوئی می کنند

راعی که عیسی برای غذا خوردن در دور هم بسط پای می کند از این است که او آنها را به عنوان دوست خود می مهم به سخاری آورد

نوشته شده در لوقا 2: 1-15 اشاره عیسی به غذا خوردن با آنها می کند که او آنها را به عنوان نشان دهنده این است که آنها از نظر او مورد قبول هستند و این در شب اول به او می رسد نوشته شده اغلب کلمه خوردن در متی 26 و مرقس 14 و لوقا 22 و یوحنا 1 اتفاق می افتد عیسی از وی می کند با خوردن غذا با ملائکه همگاری می کند با آنها تسویق می کند

و بعد عیسی به آنها می برده شد و ملائکه در معبد باروی در اردش در مدانی و پرستی او را بنا بس می کردند در ایمان رسولان 2: 46 نوشته شده که آنها با قلبی خالص و با شادمانی با هم غذای خوردند با اینکه عیسی به آسمان رفته بود آنها با تأسف روزه نگرفتند

بلکه قبول داشتند که او دروغاً با ایشان می باشد این بدون شک در این دوران برای ما می باشد عیسی زنده است و او با ما است حتی اگر ما او را نتوانیم ببینیم و مادر تأسف نیستیم چونکه او در روزها در آنها است و ما نیز قبول داریم که او حاضر است و با ما است

و در ادامه در ایمان رسولان 10: 41 بطرس یادآوری می کند که بعد از رستاخیز عیسی با ایشان غذا خورد و نوشته شده که عاده اینها وجود دارد که آنها تقسیم به روزه می کنند

یکی در ایمان رسولان 21: 12-23 به گروهی از مردم می گویند تا پولس را بقتل رسانند لب به غذا و نوشیدنی نخواهند زد این آیه روزه در اینجا به ما یادآوری می کند که این همکاری است با شیطان

و در جای دیگر زمانی است که سربازان رومی و ملوانان در زمان طلوعان در لسی هستند و آنها لب به غذا نمی زنند در ایمان رسولان 27: 32-36 شاید برای راضی نمودن فدایان خوردن

پولس مسیحی آنها را به خوردن غذا تسویق می کند و از این فرصت برای معرفی و شفا عیسی به آنها استفاده می کند در آیه 35 او نان را بر می دارد و غذا را شکر می کند نان را

تکه می کند و هم خوردن و هم آنها را خوردن این دقیقاً همان کاری است که در

سالم آنوعیس اتفاق افتاده بود

این درس واضح است. روزه هیزی را به انجام نمی رساند اما وقتی آنجا غذا خوردند خود را بجهت حس کردند و فهمیدند که غذاوند با آنحضرت و آنجا از صوفان جان سالم ببرد خواهند بود

باز هم این درس مهمی است برای ما روزه غذاوند را فرستاد یعنی کند و با عیسی این معنی بود که بدینوسیله او به ما کمک کند

اما اگر ما عوی او را به یاد آوریم و از او سیاه سنگ را بمانیم و غذای خود را با سیاه سنگ از می بخوریم و عیسی را به یاد بیاوریم در آن صورت مادر امان خواهیم بود

زمانی که پولس به کیسای قرننتیان می نویسد هر هیزی را می خوردیم و هر کاری را نمی کنند و یا می نویسند برای افتخار غذاوند بکنند اول وقتنتیان 10:31 این باید نوشته شود ما باید

و غذای خود را بخوریم و می نویسیم که دست سرگرم ولی ما به اندازه می خوردیم و می نویسیم و غذا را سگ می کنیم که ما را تأمین می کند

و در سوره بعدی او به آنحضرت یاد آور می کند که نای را که می خوردند و نوشیدنی را که می نوشند اثبات بر این است که بدن و خون مسیح را به یاد می آورند اول وقتنتیان 26-29

این درس مهمی است که غذاوند به معانی گوید که ما باید روزه بگیریم بلکه بخوریم و بنویسیم نه انشاء فقط برای تفریح خودمان باشد بلکه عیسی مسیح را نیز به یاد آوریم

در سایه غذاوند و عیسی مسیح است که ما می توانیم بخوریم و بنویسیم پس لذت ببرید اما از یاد نبرید که چه کسی با ما است و او این رفتار ما را زیر نظر دارد

بعد ها پولس به تیموتائوس می گوید هر چه که غذاوند آنخیزه است خوب است و هیزی نیست که آن را رد کرد و در ریاضت سید باید غذاوند را سیاه سنگ از بود

اول تیموتائوس 4:4

من از برادر بچکن بسیار ارجمندم که توهم ما را به آیه هائی از عهد قدیم درین مورد (روزه) جلب کرده است

اینگونه که من می بینم در جاهای غذاوند دستور روزه داده است. این چگونه امکان دارد؟ و ما باید بدقت به این جمله ها و کلمه ها بیندازیم و معنی آنها را بفهمیم

در روز کفارۀ گناهان زمان غذا برای بازگشت مردم بسوی او و منبندیده شدن آنها توسط غذاوندی بلکه به آنها فرمان داده شده که از فیلی چیزها دست بکشند نه اینکه فقط گفته شده که غذا نخورند بلکه ضای کارهایی که آنها انجام می دادند بعضی از ترصه های انجیل این را به روزه تمثیل کرده است و بعضی دیگر اینکه سخت گیری نسبت به خوردن را به نمانش گذاشته است در نتیجه کلمه در روز کفارۀ گناهان بدقت را به هر چیزی که انسان نسبت به خود اختصاص می داده کسیده شده است و همچنین روزه را فتن را

غذاوندی خواهد که توهم انسان را نسبت به خوردن جلب کند نه فقط چیزی خوردن گناهان آنان را گوس زد کند بلکه بزرگی و نجسایشش خود را نیز چونکه او می خواهد آنها را بیخاک ببرد

آن زمان زمان غذا خوردن و یا نوشیدن و یا هر چیزی و غذا آزاری نبود بلکه خود را به غذاوند و الگار کردن بود همچنین غذا را فتن برای گناهان آنها که در روز کفارۀ گناهان که یک روز در سال می بود اختصاص داد است در زمان عجم و غذا را فتن این معادسی است که انسان نمی تواند غذا بخورد یا که انسان غذا نمی خورد چونکه تأسف خود بگونه ای گذاشتن از تجربه است

روز کفارۀ گناهان در لاویان 16 و سوال در این مورد در آیه 29 می باشد  
انجیل مورد درباره زمان غذا برای روزه است که ما بعد از آن بر می گردیم

این آشکار است که در بعضی از مردم که در کتاب انجیل نام برده شده روزه می گرفتند و آنها این را درست می ننداشتند که باین روزه می گرفتند آیه های عهدی در این مورد است که متداولاً این کار انجام می شده است

در روم کورنیل 23-16: 12 حضرت داوود در تأسف به سهری بود و برای عیادت به سهری و انجیل روزه می گیرد و به خدا التماس می کند این کاری بود که خردش تقسیم یافت که انجام دهد او آشکارا بدین امید که غذاوند به دعی او گوش می دهد از غذا خوردن خودداری می کند

او غزای کند که اگر در کنار دعا و نیایش روزه هم بگیرد فراوند بیشتر به درخواست او توجیب می کند  
آیه (22-23) فراوند فریزی را عوض نکرد و بحکم وفات کرد

در دوم تواریخ 20 پادشاه بهوشافاها به مردم دستور می دهد که روزه بگیرند چون محظی در راه بود  
او مردم را به دعا کردن به درگاه فراوند رهبری می کند و این بار جواب دعا را دریافت می کند  
ولی فراوند به او دستور روزه نداده بود بلکه این پادشاه بود که دستور روزه و دعا صادر  
کرده بود

در نخیما 1 به هانسان می دهد که وقتی فرزندی از او و سلیم شهر محبوب نخیما به او می رسد چند روز  
لب به غذا نمی زند و بیرون دعا و عزاداری می کند  
چندین حادثه مثل این برای اشائهای با ایمان اتفاق افتاده است که با سنگین فرزندی  
به عزاداری یا به هدیه از غذا و دعا کردن زیاد پرداختند

اول پادشاهان 21:27 نخیما 1:9 دانیال 3:9 صالحان از این گونه هستند

سید اشائها به فاطمه نگرانی زیاد و استرس لب به غذا نمی زدند شاید این که محل در فرهنگهای  
آن زمان بود که روزه گرفته می شد در زمانی که غم و غصه و تنگانی زیاد و بود دست و همراه دعا کردن

ولی مهم این است که بدانیم این یک تقصیر شخصی بود نه اینکه در این مورد فراوند زمانی صادر کرده بود



در عزرا 8:21 پیغمبر مردم را به روزه دعوت می کند به عنوان قسمتی از دعاها ایشان برای سفری امن

در کتاب استرمای بیسیم به خاطر حادثه های متنوع از روزه استفاده می شود در ابتدا در 4:3 مای بیسیم که مردم به خاطر ترس از دستور پادشاه روزه می گیرند در 4:16 استر و مردخای تقصیر می گیرند که روزه بگیرند و «بیست و نه روز دعا کنند» به واکنشی به ضعفهای هاسان در دعوت به مسای و جشن 8-7-5 و در آخر استر و مردخای روزه بیاد ماندنی برای قوم ایود تا بیست و نه روز که آن را عید پریم می نامند

و هر ساله این روز را جشن می گیرند 9:13

روزه به صورت مدت اول در کتاب - اینجیل اتفاق می افتد ولی این یک دستور عملی نیست بجز در روز کفاره گناهان

جای های دیگری هستند که کسی دستور روزه می دهد برای مثال در اول پادشاهان 21:4 مای بیسیم که آحاب پادشاه روزه می گیرد به خاطر اینکه عجم گن است در آیه 9 زن عذره ایودی او ایزابیل دستور می دهد که برای نابودی نابوت مردم روزه بگیرند

در یونس 3:5 پادشاه نینوا دستور روزه می دهد حتی حیوانات نباید بخورند و بنوشند این تقصیر پادشاه بود برای نشان دادن تأسفشان و توبه در گناه به خداوند آسمانها بدون شک خداوند جوایگویی آنها شد و در آیه 10 می خوانیم که خداوند در باره نابودی شهر نینوا نظری خوش شد چونکه آنها از اعمال شیطانی خود دست کشیدند

این چیزی است که خداوند به آن توبه می کند نه روزه ای که بی دلیل گرفته شود

این دو پیشنهادها همی هستند توسط قوم اسرائیل و اطراف آنها، روزه گرفتن نیز صرفاً دنباله روی از آدعهای مسخر قوم بوده است

شاید که اگر خدا روزه گرفتن و به چیز و خوردن را از مردان و به خود کنی گرفتن ایشان را ببیند این امکان هست که به خاطر این کارها ایشان جوایگویی آنها نیز باشد حتی این ایده ها روی مردم خدا پرست نیز اثر گذار شده بود و جزئی از اندیشه ها و توجیهات نسبت به خدا شده بود شاید آنها فکر می کردند که اینگونه می توانند با خداوند را صلح ای داشته باشند

اگر ما خودمان را زیر زجر و زحمت قرار دهیم و یا غداً خود را به ما توبه می کند و  
ما را می بخشد ولی این بی فکر بود  
ولی اینگونه افکار درباره خداوند در او نهی گنجد و اینها باید می دانستند که خداوند چه  
کارهایی برای آنها کرده است و آنکارا بخندند ولی به فکر آنها روزه بگردد ای به عنوان  
قانون خداوند برای آنها به صورت یک اعتبار در آمده بود

در آیه 11: 4 با عی ناپسامانی می خورد و خداوند سخن می گوید

خداوند به من گفت: از این پس از من نخواه که این قوم را برکت دهم و یاری کنم مگر اگر روزه بگیرند به  
گرمی شان هم گوشت نمی دهم اگر هم هر چه و هر غذایی بیاورند نخواهم پذیرفت بلکه ایشان را با جنگ و  
فصلی و بلا هلاک خواهم کرد  
و دوباره در زکریا 4: 7 و کلام خداوند بزرگ را شنیدم به قوم و کاهنان یکتا پدید که در  
این هفتاد و سالی که در ماه پنجم و هفتم روزه می گرفتند و سوگتاری می کردند برای خاطر من  
نشود اکنون نیز هنگام بزرگاری عیدهای مقرر من به فکر من نیستند بلکه به فکر خوردن و  
نوشیدن و سرگرمی خوردن هستند

و کلام خداوند دوباره به زکریا اعدام شد. این را خداوند بزرگ می گوید  
بسیار به بیکری در دستکار و یا انصاف و رحیم و مهربان باشد از ظلم کردن به بیوه زنان و یتیمان  
و اخراج غریب و عقیدت دست بردارید و برای بیکری ~~هو~~ تو طعم نجیبند. اینها مایه بیستیم که  
خداوند به بیرون موضوع توبه نمی کند بلکه او می خواهد آنان آنگونه ببینند که او ایشان را  
می بیند او به ایشان می گوید که آنها دنیا را بر باد دهند در انگلیسی (hypocrisy)

این نشان می دهد که کسی را مورد توبه قرار نمی دادند بلکه فقط خوردن را

و به همین خاطر خداوند به آنها اهمیت نمی داد چونکه نمی توانستند قانون را اجرا و بکنند یعنی  
هم دیگر را عفو نکنند و نسبت به هم مهربان باشند

آن نوع روزه خود نوعی ایجاب بر آن قداست نسبت به خداست بود

در اشیا 58 همه نمونه از روزه یعنی روزه واقعی که توسط خداوند مورد قبول است نذر است  
سوره است

خداوند می گوید: این روزه ای است که من می پسندم زنجیرهای ظلم را پاره کنید و یوغ ستم را بشکند و مظلومان را آزاد سازید. خوراکیان را با بزرگان تقسیم کنید و فقیران بی کس را به خانه خود بیاورید. امتحان برده را لباس بیوگ بپوشانید و از تمکب بستانگان دریغ نکنید.

اگر از ظلم کردن به ضعیفان دست بردارید و به نایب کسی که است نرسید و بخنان دروغ نگوئید از خوراک خود به بزرگان بدهید و به گای که در تنگنا هستند کمک کنید آنگاه نذر ستم در تاریکی خواهد درخشید و تاریکی اهل افتان مانند روز روشن خواهد شد و خداوند شما را هدایت خواهد کرد و شما را قوی و سالم نگاه خواهد داشت

در اینها ما آماده هستیم که بپردازیم و نگاه می به روز کفاره گناهان بپردازیم و به خود داری و به حلیه تو می کنیم. این ایده این است که خود را از غذا خوردن محروم کنیم بلکه به آنگاه که بزرگ هستند غذا بدیم و تلخی جانمان را به نایب نذر کنیم بلکه بی قمانان را به خانه خود راه دهیم نه اینکه با انگشت خود به پیری دیگران اشاره کنیم بلکه فرزندان را نیز ببندیم

روزه واقعی باید ما را به برهنگی کردن از لذتهای دنیوی رهنمون کند شاید ما غذای کافی یا پول کافی یا وقت کافی یا چیزهای خوب زندگی را نداشته باشیم اما هر چه هست هم خدا برای خداوند هستند و این نشان این است که دیگران که در احوال ما هستند نیز برای ما صمیم هستند

در یونس 1:14 نمونه ای از دستور غذا برای روزه است که خداوند دعوت به روزه بر عتق می کند اما او از نیک کلمه استفاده می کند (روزه مقدس) و این همه را بگونه ای دیگر نشان می دهد این روزه ای است به درگاه روح خداوند برای ایمان داران به خداوند همانگونه که در اشیا 58 بیان کردیم این هم نمونه ای است از دعوت خداوند برای فهمیدن روزه واقعی

او در آیه 12 منظور خود را از روزه بیان می کند نه به صورت خود بینی بلکه درک واقعی دلگسایان را یاد بزرگوار نه لباسان را و بخنان خداوند با وعده های او نذر است

او به آنجا حوراک حدریه می کند // چه کسی می داند // شاید او از قسم خود بر آید و آنقدر عجا را  
برکت دهد که باز غله و شراب کافی داشته باشند و بستانند به فراوانی حدریه کنند

نتیجه : روزه مقدس در برابر فراوانی مساوی است با برکت او نسبت به ما  
در متی 25: 31-48 عیسی مسیح می گوید که چگونه اگر ستمگران بخت می یابند و بر آنها از راه منصرف  
می شوند و تقاضای این دورا بیان می کنند

زیرا وقتی من از دستم بودم به من حوراک دادید و وقتی به من آب دادید غریب بودم مرا به  
خانه تان بردید برهنه بودم به من لباس دادید بیمار و زخمی بودم شما به عیادتیم آمدید

این سر صحبتی بود که مردم اطراف عیسی داشتند و همچنین به آنجا می که نداشتند بلکه می کردند  
مثل غذا - لباس - زمان - پول و هر چیزی دیگری که نیاز بود آنحضرت ای خود هم کم  
داشتند ولی این به عزتان حدریه ای به فراوانی به شما می آمد آنحضرت همچنین به آنجا می که  
راه را گم کرده بودند نیز کمک می کردند یعنی به گمراهان هم نیز

این روزه واقعی است - روزه مقدس در درگاه خداوند - با شرایط او نه به شرایط ما  
و فراوانی این را می بیند و او خود ما را تائید می کند

این ایده به ما کمک می کند که بفهمیم چگونه روزه بصورت حضور می (سختی)  
در انجیل تکرار شده و نه از طریق خود عیسی مسیح

در این جا دلیل قانع کننده ای وجود دارد که مردان و زنان با ایمان به روزه گرفتن روی آورده اند

در عذرا و استر ذکر شده است که سبب عیسیت و در یوشن نیز برای روزه معتدلس  
و واکنش به این بیست و نه در اشیا 58 ذکر شده است که روزه واقعی نیست نه اینست با  
حسن خود تویم خداوند را به خود جلب کنیم

مردمی که به خداوند مخلوق دارند وقت خود را برای رابطه نزدیک با خداوند صرف می کنند تا اینست با  
غذا نخوردن و یا هر چیز دیگری وقت عبادت را از دست نبرهند

برای توسعه دادن دعای یک شخص به درگاه خداوند و تقدر در او نصیم به خوردن غذا و یا هر چیز دیگری  
او را از دقتش در تفکر دور می سازد و مهم اینست کلام دعا و رابطه با خداوند است که در  
مركزیت دعای بار خدای نه خوردن غذا

شاید این یک سر در سبب کلمه های عیسی مسیح است که در ماتی 7:21 می باشد که با خداوند خود  
بجست و جود می کند که نتوانستند بهی راهی را که مریخی (در صریح) داشت را سفا دهند

عیسی در گوه خلاصی در لگون شده بود و با خداوند این را دیدند ولی آنها با زنی توانستند با  
دیدن این معجزه این سر مریخی را سفا دهند و بعد از این از عیسی پرسیدند که چرا نتوانستند  
این کار را بکنند و عیسی در جواب می گوید: که این نوع روح ناپاک از بدن خارج می شود مگر  
با دعا و روزه

واقع است که هم معجزه ها وقتی برای عیسی بیکان میزده اند بلکه در بعضی مواقع  
سفاقت و اعتقاد بیشتری برای برخی معجزه ها لازم بود که احتیاج به ستر و اعجاز  
خالص به خداوند و روزه و دعا در این موقعیت مگر بخشی بوده است

منظور از روزه اینست از طریق عیسی نشان دادن رابطه او با خداوند است نه اینکه خداوند طبقه  
بندی کرده است بلکه ترس ما یا کم اعتقادی می توانند در بهبودی مرخصی نقش داشته باشند

و س اینگونه در عهد قدیم و جدید دستور از خداوند و عیسی مسیح برای منع رکن و خوردن  
غذا داده شده - مگر در روز کفار و گناهان

روزه واقعی عموماً نخوردن غذا نیست بلکه حاصل چیزهای است که غذاوند به ما عطا کرده  
مثل زمان یا خوشی و یا چیزهای که در اختیار داریم تا به دیگران هم هدیه دهیم تا آنهایی  
که هم ندارند استفاده ببرند این یک نوع از روزه است

روزه واقعی برکت غذاوند را به همراه دارد نه اینکه با نوسن غذاوند بلکه با محبت او.  
صورت شخصی شاید تصمیم به روزه گرفته شود بدین معنی که زمان و فرصتی برای  
ثابت کردن رابطه و خود با غذاوند و عیبی باید نداشت

مرکز رابطه ما با غذاوند اغلب در سواحل غذاوندان با هم دیده است و این حدیثی است که غذاوند  
است زمانی که ما آن را نگریم و می بینیم و می بینیم که برای تو رژیم هرگز سرورمان را  
اعلام می کنیم و کلمه های او را به یاد می آوریم که می گوید:

: من بیست در استاده ام و در می زنم اگر کسی صدای من را می شنود و در را باز کند من  
پیش او می آیم و من با او غذا را می خورم و او نیز با من مکاشفه 20:3